



فعالیت سوم: بیا قاب بیندیم!

لوازم مورد نیاز: دفترچه مخصوص، مداد یا خودکار، مداد رنگی، لپتاپ یا تلویزیون.

قدم اول:

معلم، از بچه‌ها می‌خواهد یکی از فیلم‌های لیست پیشنهادی‌اش را در خانه ببینند. البته اگر امکان تماشای فیلم در مدرسه ممکن باشد، دیدن فیلم در کنار یکدیگر تجربه فوق‌العاده‌ای خواهد بود. برای مثال، فیلم بچه‌های آسمان ساخته مجید مجیدی توسط معلم انتخاب می‌شود و بچه‌ها یک هفته فرصت دارند این فیلم را ببینند. این که تماشای فیلم برای معلم اهمیت دارد و به عنوان یک فعالیت برای بچه‌ها در نظر گرفته شده، ناخودآگاه این تجربه روزمره کودک را صاحب معناهای بیشتری می‌کند. بچه‌ها با یکدیگر درباره فیلم حرف می‌زنند، معلم وارد گفتگوی بچه‌ها پیرامون فیلم می‌شود، تماشای فیلم و تجربه احساسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، نظرات و سلیقه‌های مختلف درباره یک فیلم عنوان می‌شود و هر بچه فراتر از دریچه تفکر خود با یک فیلم مواجه می‌شود.

قدم دوم:

بعد از تماشای فیلم، سر کلاس هستیم و حتما هر بچه‌ای دوست دارد احساسات و افکار خود را درباره فیلم به اشتراک بگذارد. معلم می‌تواند با طرح سوالاتی مشخص و هدفمند، نظرات بچه‌ها را درباره فیلم بپرسد. به اشتراک گذاشتن تجربه حسی بچه‌ها از تماشای فیلم نیز قطعاً می‌تواند بخش مهمی از این فعالیت باشد. چرا که سینما پیش از هر چیز قرار است در ما تأثیر و احساس ایجاد کند و هر مخاطبی، این تجربه حسی را هنگام تماشای فیلم از سر می‌گذراند. معلم می‌تواند درباره یک فیلم به طرح سوالاتی از این دست پردازد:

۱. داستان فیلم چه بود؟
۲. شخصیت‌های این فیلم چه ویژگی‌هایی داشتند؟
۳. با کدام شخصیت بیشتر از همه ارتباط برقرار کردید؟ چرا؟
۴. تصاویر این فیلم چه ویژگی‌هایی داشت که آن را با فیلم‌های دیگر متفاوت می‌کرد؟ مثلاً قاب بندی، فضاهایی که در آن فیلمبرداری شده بود، رنگ‌هایی که استفاده شده بود، نور صحنه‌های فیلم، لباس بازیگران و ...
۵. چه احساساتی هنگام تماشای فیلم به شما دست داد؟
۶. این فیلم درباره چه مسائلی و دغدغه‌هایی بود؟ احتمالاً نویسنده هر فیلمنامه، به دغدغه‌هایی در زندگی انسان‌ها می‌پردازد. مثلاً ممکن است دغدغه یک نویسنده، فقر و مسائل مربوط به آن باشد. و سوالات دیگری از این دست که می‌توان با بچه‌ها درباره‌اش گفتگو کرد. بعد از این گفتگو، وقت آن است که معلم این پرسش را مطرح کند: قاب بندی چیست؟ معلم یک مستطیل وسط تخته می‌کشد و کنارش می‌نویسد: معلم دست‌هایش را می‌شوید. بعد تصویری را که از آن می‌بیند، به شکل ساده‌ای درون مستطیل می‌کشد. او یک معلم را کشیده که تا کمر در تصویر است و روبروی آینه در حال شستن دست‌ها به خود نگاه می‌کند. او به بچه‌ها توضیح می‌دهد که این یک قاب است. قاب بستن یعنی آنچه را که می‌خواهیم ببینیم، در یک قاب محدود و مشخص کنیم.



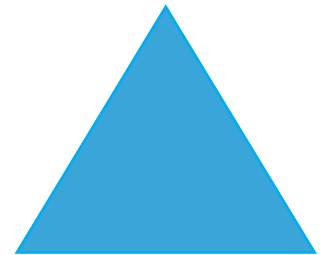
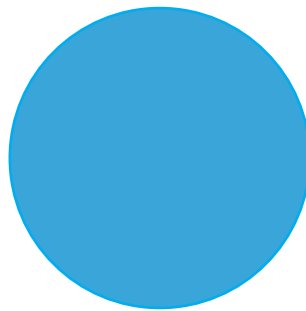
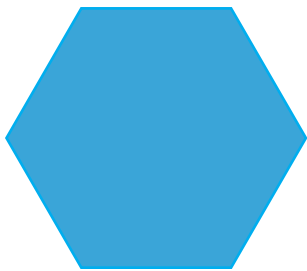


آیا همه شبیه هم قاب می بندند؟

معلم نقاشی درون مستطیل را پاک می کند و از بچه ها می خواهد که تصویری که در ذهنشان از معلم در حال شستن دست هاست بکشند. چند نفر از آن ها پای تخته می آیند و تصورشان را از قابی که می خواهند ببندند درون مستطیل می کشند. یکی از آن ها معلم را از روی پرو در حال شستن دست نشان می دهد، یکی از آنها فقط دستهای معلم را می کشد، یکی دیگر صورت معلم را می کشد و می گوید صدای شستن دست روی این قاب می آید، یکی از بچه ها تصویری را از پشت یک پنجره می کشد که در آن معلم در دوردست دیده می شود که در حال شستن دست هاست و همینطور قاب های متنوع دیگری که می توان خیال کرد.

قاب بندی یک انتخاب است.

بچه ها با توجه به این فعالیت متوجه این موضوع می شوند که هر کدام از آنها با توجه به ذهن و تصورات خودشان، قاب متفاوتی بسته اند. معلم توضیح می دهد که یک فیلمساز با توجه به متن انتخاب می کند که چه قابی برای این تصویر مناسب تر از همه است. او این تصمیم را بر اساس مسائل مختلفی مثل فیلمنامه، شخصیت های فیلم، مدلی که دوست دارد فیلم تصویر بشود، پیام های فیلم و ... می گیرد. نکته مهم این ماجرا این است که سراغ قاب های کلیشه و تکراری نرویم و قابی که به نظرمان جالب و مناسب است ببندیم. _ راستی مگر مجبوریم فقط در یک مستطیل قاب ببندیم؟ _



اگرچه سینما به دلایلی بیشتر با قاب مستطیل شکل معرفی شده، اما قاب ما می تواند هر شکلی که می خواهیم باشد. فقط باید آن را با توجه به فیلمنامه و فیلمی که می خواهیم بسازیم انتخاب کنیم و برایش دلایل قانع کننده داشته باشیم.

قدم سوم:

معلم از بچه ها می خواهد پنج قابی که از فیلم بچه های آسمان در خاطر دارند و به نظرشان جالب و خوب آمده بکشند. در کشیدن قاب ها، باید به جای قرار گرفتن شخصیت ها در قاب، جزئیاتی که در هر قاب وجود دارد، رنگ هایی که استفاده شده و ... توجه کنند.

بعد قاب مورد علاقه شان را از بین این پنج قاب انتخاب کنند و یک تا دو بند در دفتر مخصوص درباره اش بنویسند. نوشته شان باید شامل این موارد باشد:

۱. چه اتفاقی در این قاب می افتد و ماجرایش چیست؟

۲. چرا این قاب را انتخاب کردم و چه ویژگی هاییش برایم جالب بود؟

۳. چه احساساتی موقع تماشای این قاب داشتم؟

۴. آیا این قاب می توانست برای این موضوع بهتر و جالب تر تعریف شود؟ چه شکلی؟

بچه ها نوشته هایشان را در گروه برای هم می خوانند و معلم نیز بر کار آنها نظارت دارد. در نهایت معلم نیز کار بچه ها را می گیرد و به آنها بازخورد می دهد.

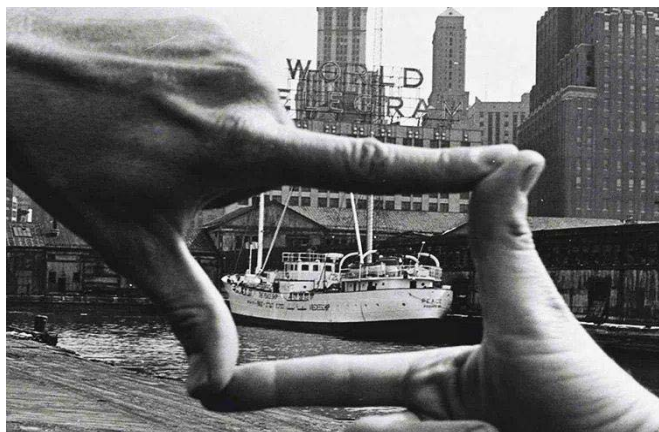


در این جا معلم می تواند درباره قاب های به یاد ماندنی و جذاب هر فیلم با بچه ها صحبت کند. این که بعد از اکران یک فیلم، قاب هایی از یک فیلم در یاد مردم می ماند و با دیدن آن قاب، مخاطب یاد آن فیلم می افتد. این قاب ها، اصولاً از نظر تصویری جذابیت دارند و مربوط به بخش مهم و به یادماندنی یک فیلم هستند. برای مثال، در فیلم بچه های آسمان، قابی که در آن ماهی های حوض به دور پاهای علی می می چرخند، به یاد خیلی از مردم مانده و با دیدن این قاب، این فیلم برایشان یادآوری می شود.

معلم در این جا می تواند از بچه ها بپرسد چه قاب هایی از فیلم های محبوبتان در یادتان مانده؟ سوال دوم این که آیا همه فیلم ها از این قاب های جذاب و به یاد ماندنی دارند؟
قطعاً گفتگوی پر هیجانی در این باره بین بچه ها و معلم شکل می گیرد:

قدم چهارم:

قرار است یک بازی جذاب سر کلاس انجام دهیم و بخندیم و خوش بگذرانیم. معلم قاب بندی با دست را به بچه ها نشان می دهد و از آنها می خواهد مثل او با دستشان قاب ببندند و از دریچه آن به اطراف نگاه کنند. حالا برای همه چیز می توانند یک قاب مستطیلی داشته باشند.



معلم، یک داستان ساده برای بچه ها تعریف می کند. مثلاً این که مدیر در می زند، وارد کلاس می شود، بچه ها با تعجب به هم نگاه می کنند، معلم به سمت مدیر می رود و با او احوال پرس می کند، چهره مدیر عصبانی به نظر می رسد، او به سمت یکی از بچه ها می رود و با عصبانیت به او نگاه می کند، بچه با چهره ای ترسیده او را نگاه می کند.

بعد معلم این داستان ساده را قاب بندی می کند. بچه ها در نقش بازیگران قرار می گیرند و معلم کل این روایت را با دستانش قاب می بندد و برای بچه ها توضیح می دهد

که چطور می توان همین یک صحنه کوچک را به شکل های مختلفی قاب بست.

بچه ها در گروه های چهار نفره قرار می گیرند و یک قصه کوچک با سه بازیگر می نویسند. بعد هر بار یکی از آنها قاب می بندد و بچه های دیگر بازی می کنند.

بعد از این بازی، وقت آن است که هر بچه مجموعه قاب های خود را از داستان گروهش نقاشی کند. این فعالیت، هم سر کلاس می تواند انجام شود و هم به عنوان فعالیتی در منزل در نظر گرفته شود.